

■ با تمام موانع و چالش‌هایی که بر سر طرح‌های ضد ایرانی وجود دارد و شکل‌گیری کار آمد آن را به غیر ممکن نزدیک کرده، تلاش دائمی ایران به منظور آشکارسازی هر چه بیشتر ۲ نکته لازم است: امنیت منطقه جز با همکاری تمام کشورهای منطقه میسر نخواهد شد و نکته مهم‌تر اینکه رژیمی که موجودیتش از تنش آفرینی در منطقه ارتزاق می‌کند، صلاحیت زعامت ساز و کار امنیتی در منطقه را ندارد

«وطن امروز» به بررسی احتمالات سناریوی ضد ایرانی سعودی، امارات و رژیم صهیونیستی و گزینه‌های تهران در برابر این تهدید می‌پردازد

مشت پوچ ناتوی عربی



مشترک موجود، مانع از آن خواهد شد ترکیه وارد سازو کاری پرهزینه برای خود به منظور تامین امنیت اسرائیل شود، مبارزه با تجزیه‌طلبی از جمله منافع مشترک در چنین طرحی است. به عنوان مثال زمانی که مخالفت با همه‌پرسی جدایی طلبانه اقلیم کردستان عراق منافع ایران و ترکیه را به یکدیگر نزدیک کرد، اسرائیل تمام قد از این همه‌پرسی حمایت کرد، چرا که در صورت موفقیت اقلیم، می‌توانست مناطق کردنشین ایران و ترکیه را با خطر جدایی طلبی مواجه کند. گسترش روابط ترکیه با اسرائیل به معنی همپوشانی مطلق منافع طرفین نیست. ترکیه در مدیترانه شرقی در تقابل با جبهه یونان، اسرائیل، قبرس و مصر قرار دارد و هنوز پرونده چالش انرژی میان ترکیه و اسرائیل در این منطقه باز است. در نتیجه حمایت اسرائیل از تحرکات تجزیه‌طلبانه و معادلات مدیترانه شرقی مانع از آن خواهد شد ترکیه تمام داشته‌های خود را در سید اسرائیل در برابر تضاد با ایران بریزد. به همین منظور این رژیم در هفته‌های اخیر تلاش کرده است با هشدارهای مکرر و دروغین مبنی بر تلاش برنامه‌های تور صهیونیست‌ها با عاملیت ایران در خاک ترکیه جنگ روانی ضد ایرانی را به ترکیه بکشد.

حمایت کشورهای همچون اردن، مصر و بحرین از ابتکار ناتوی خاورمیانه اگر چه بی‌اهمیت نیست اما این ۳ کشور فاقد قدرت ایفای نقش تعیین‌کنندگی در سطح ارکان اصلی منطقه هستند، لذا در شرح وضعیت امکان ائتلاف ضد ایرانی در اولویت دسته‌چندمی قرار می‌گیرند و بیش از آنکه به طور مستقل توان کنشگری داشته باشند، تابع رکن‌های بالاتر از خود همچون عربستان سعودی قرار دارند.

■ ایران در برابر فتنه ضد ایرانی

با تمام موانع و چالش‌هایی که بر سر طرح‌های ضد ایرانی وجود دارد و شکل‌گیری کار آمد آن را به غیر ممکن نزدیک کرده، تلاش دائمی ایران به منظور آشکارسازی هر چه بیشتر ۲ نکته لازم است: امنیت منطقه جز با همکاری تمام کشورهای منطقه میسر نخواهد شد و نکته مهم‌تر اینکه رژیمی که موجودیتش از تنش آفرینی در منطقه ارتزاق می‌کند، صلاحیت زعامت ساز و کار امنیتی در منطقه را ندارد.

این امر در ۳ بخش سیاسی، اقتصادی و امنیتی می‌تواند دنبال شود. بخش سیاسی دنبال کردن ایده‌ای است که طی یک سال گذشته تحت عنوان سیاست همسایگی در جریان بوده است که شاید یکی از نتایج آن رشد ۹۶ درصدی صادرات ایران به کشورهای همسایه طی ۸ ماه نخست دولت سیزدهم است. علاوه بر این در برابر تلاش اسرائیل مبنی بر معرفی کردن توافق هسته‌ای احتمالی با ایران تحت عنوان تهدید منطقه، ایران به همسایگان و کشورهای منطقه این اطمینان خاطر را بدهد که منافع ایران در راستای منافع منطقه تعریف شده است و هر گونه توافقی که امضای ایران به پای آن نگاشته شود، جز در راستای پرورق‌تر شدن روابط منطقه‌ای نخواهد بود. زودن بدبینی‌هایی که در فضای منطقه نسبت به ایران بر سر جرم و نگاه غلط دولت پیشین مبنی بر تمرکز بر غرب ایجاد شد، در توافقی احتمالی در زمان کنونی ضروری است. اعلام خبر احتمال میزبانی یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس برای ادامه روند مذاکرات می‌تواند بستر مناسبی در همین راستا باشد. نکته دیگر تمرکز بر دیپلماسی راه‌ها و فعال‌سازی ظرفیت‌های ترانزیتی است که برای ایران ابزار خنثی‌سازی مهمی در برابر بر برنامه‌ای است که به دنبال انزوای سیاسی-اقتصادی ایران در منطقه است که حتی در شرایط تحریمی هم کارایی خود را دارد.

و مورد آخر، مقابله به مثل با رژیم اشغالگر صهیونیستی و کشتاندن قلمرو تنش در درون مرزهای اشغالی است. فعالیت‌های اخیر محور مقاومت همزمان با تاکتیک‌های منطقه‌ای، می‌تواند در همین راستا باشد. یعنی استقبال سوریه و مقاومت فلسطین به منظور ترمیم روابط، نشست‌های بیروت میان جریان حماس و حزب‌الله لبنان و گفت‌وگوهای میان حماس و جنبش جهاد اسلامی می‌تواند به معنی تجهیز و تجدید قوای محور مقاومت با هدف هماهنگی کامل‌تر در مقابل توطئه‌های اسرائیلی باشد.

نشان می‌دهد عادی‌سازی روابط ۲ کشور تابعی از مذاکرات هسته‌ای شده به طوری که هر گاه اخبار نزدیکی به توافق نهایی منتشر شده، به روند مذاکرات تهران-ریاض سرعت بخشیده است. بدین صورت مذاکرات هسته‌ای و مذاکره با تهران در مسیر اهداف ائتلاف ضد ایرانی سعودی-اسرائیلی چالش آفرین است. در این شرایط عربستان در انتظار است ببیند سفر بایدن به ریاض آیا می‌تواند پایه‌گذار این اتحاد شود یا خیر. عراق سوریه و لبنان علاوه بر مشکلات و بحران داخلی‌شان که مانع از حضور چشم‌گیر در ائتلاف‌ها می‌شود، به عنوان حوزه نفوذ ایران نامحتمل‌ترین گزینه‌های بیوستن به آینده‌های ضد ایرانی هستند. ممکن است عراق یا لبنان در سازوکار احتمالی به نام ناتوی عربی یا خاورمیانه عضویت داشته باشند اما در مرحله عملی کارایی در راستای اهداف ضد ایرانی نخواهند داشت. این ۳ کشور در بحران‌های امنیتی خود، بیشترین پوشش حمایتی را از جانب ایران دریافت کرده‌اند و از طرف دیگر منطقه شامات به خودی خود تنش‌های فعالی با رژیم صهیونیستی دارد که مانع از وجود منافع مشترک فی‌مابین می‌شود. سفر «مصطفی الکاظمی» نخست‌وزیر عراق به عربستان و بلافاصله پس از آن به ایران نشان می‌دهد عراق به دنبال اطمینان بخشی به ایران از عدم هر گونه نقش آفرینی در چارچوبی است که دغدغه‌های امنیتی ایران را هدف داشته باشد. کاظمی در فضای بحرانی سیاست داخلی عراق و نامعلوم بودن سرنوشته سیاسی شخص خودش، به دنبال تکمیل نقش میانجیگری دولتش میان تهران و ریاض است تا اعتبار سیاسی خود و عراق را ارتقا بخشد.

و سرانجام ترکیه؛ گنجاندن تکاپوی دیپلماتیک این کشور در ماه‌های اخیر بویژه عادی‌سازی روابط با امارات، اسرائیل و سعودی در پازل تحرکات ضد ایرانی جاری در منطقه یک خطای تحلیلی است. اردوغان بیش از هر چیزی دغدغه انتخابات آتی ریاست‌جمهوری ۲۰۲۳ را دارد و به دنبال جبران کسری و ضعف‌های داخلی از طریق پویایی سیاست خارجی است. با وجود چالش‌های منطقه‌ای، روابط تهران-انکارا و منافع

چهارجانبه عراق، امارات، مصر و اردن و نشست نقب که در فاصله کمی در بهار گذشته بر گراز شد، با نقش آفرینی و هماهنگی اوبوسی با اسرائیل در جهت اهداف مشترک منطقه‌ای همراه بود که عنوان شد ایران موضوع اصلی این گفت‌وگوها بوده است. نقش مهم امارات گسترش دامنه حضور در حوزه نفوذ ایران است، لذا امارات به بزرگ‌ترین شریک تجاری سوریه در جهان عرب تبدیل شده است و از حمایت مالی دولت دمشق به منظور بازسازی کشور جنگ‌زده سوریه استقبال می‌کند و همچنین سرمایه‌گذاری در عراق بویژه در پروژه‌های تامین انرژی در دستور کار محور سعودی-اماراتی قرار دارد تا این کشور وابستگی خود به تامین انرژی از جانب ایران را کاهش دهد. همچنین امارات به دروازه نفوذ اسرائیل در قلمرو خلیج فارس تبدیل شده است. اما اوبوسی به عنوان مهم‌ترین گزینه صهیونیست‌ها بدون محدودیت در مسیر همکاری نیست، چرا که امارات‌ها با همه اوصاف تمایلی به تنش آفرینی در روابط خود با تهران ندارند.

تنش‌های دریاپی در خلیج فارس و جنگ یمن به این کشور نشان داده امنیت در شبه‌جزیره عربستان و حوزه کشورهای خلیج فارس با تقابل سطح بالا با ایران غیر قابل دستیابی است. عربستان رکن اصلی دیگر ائتلاف ضد ایرانی است. جنگ اوکراین و اهمیت یافتن دوباره نفت و گاز خلیج فارس باعث شد دولت دموکرات آمریکا که مدعی مبارزه با جناح‌های حقوق بشری بود و چندان رابطه مطلوبی با بن‌سلمان نداشت، به طوری که پیش از سفر بایدن به منطقه و شرکت در نشست ریاض، بار دیگر از سرگیری مذاکرات قوت گرفته است تا قدرت چانه‌زنی واشنگتن در برابر پشتوانه نفتی سعودی‌ها افزایش یابد. از طرف دیگر همزمان با انتشار اخبار تحرکات بن‌سلمان به منظور عادی‌سازی روابط با اسرائیل، مذاکرات تهران-ریاض در جریان است. افت و خیز روند مذاکرات ایران و عربستان

که از سال ۲۰۱۷ آغاز شد اما راه به جایی نبرد. عربستان موفق شد سران و مقامات ۵۰ کشور عربی-اسلامی را در ریاض با حضور ترامپ گرد هم آورد اما کمتر از ۲ ماه زمان نیاز بود تا با ایجاد بحران خلیج فارس و محاصره قطر، تنش تازه‌ای میان کشورهای منطقه شکل بگیرد و ماه عمل ائتلاف آرمانی به پایان برسد. پس از آن سران رژیم صهیونیستی در تلاش بوده‌اند با محوریت توافقی بتوانند مبتکر یک ائتلاف ضد ایرانی باشند و روی تنش‌زایی‌های اخیر محور اماراتی-سعودی بویژه با قطر و ترکیه نگاه ویژه‌ای دارند.

■ آیا ائتلاف ضد ایرانی شکل می‌گیرد؟

مرور کارنامه ناکام تلاش برای تشکیل ائتلاف‌های ضد ایرانی به ما نشان می‌دهد یک عنصر نامشروع که موجودیتش در گرو تنش‌ها شدن منطقه است، صلاحیت مدیریت سازو کاری تحت عنوان تامین امنیت را ندارد. به هر حال تلاش صهیونیست‌ها به منظور تهدید آفرین نشان دادن ایران همواره در جریان است و امیدوارند خروجی آن تشکیل محور ضد ایرانی باشد. اکنون نیاز است بدانیم آیا شکل‌گیری چنین جبهه‌ای با کیفیت و کمیت مورد نظر اسرائیل شدنی است یا مانند ابتکارهای گذشته سرنوشتی جز شکست نخواهند داشت؟

بررسی اوضاع درونی و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هر یک از کشورهای منطقه غرب آسیا چالش‌ها و محدودیت‌های پیش روی کشورها به منظور مشارکت در چنین طرحی را آشکار می‌کند. به عنوان مثال در حاشیه خلیج فارس کشورهای عمان و قطر سعی می‌کنند از سازو کارهای تقابلی دوری کنند. عمان به طور سنتی و قطر در سلسله‌های اخیر پس از نقش حمایتی ایران در پشت سر گذاشتن بحران ۲۰۱۷، تمایل دارند به عنوان میانجی، تسهیل‌گر پیشروی پرونده‌هایی باشند که یک جانب آن ایران قرار دارد و نمی‌توان در یک طرح تماما ضد ایرانی نظر مثبت این دو کشور را جذب کرد.

امارات شاید مهم‌ترین گزینه اسرائیل در ناتوی عربی باشد. صهیونیست‌ها روی لابی قوی اوبوسی در منطقه حساب باز کرده‌اند. نشست سه‌جانبه بنت-سیسی-بن‌ذی‌النسن

پایگاه خبری میدل ایست مانیتور گزارش می‌دهد

دورخیز ایران و روسیه برای ایجاد مسیر تجاری جایگزین برای کانال سوئز

تا بر موانع و محدودیت‌های ایجاد شده از سوی کشورهای غربی در رابطه با تجارت و اقلصاد خود قانع آید و بر آنها غلبه کند. البته ایران نیز که سال‌هاست با تحریم‌های گسترده کشورهای غربی علیه خود روبه‌رو است (تحریم‌هایی که بویژه در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا و پس از اقدام وی در خارج کردن یکجانبه واشنگتن از توافق اتمی ایران موسوم به برجام، ماهیت شدیدتری نیز به خود گرفتند)، کاملاً طبیعی است که در جست‌وجوی روسیه راه‌هایی باشد تا تحریم‌های غرب علیه خود را کم‌اثر کند. در این راستا، ایران و روسیه عملاً در جبهه‌های مشترک قرار گرفته‌اند. از این چشم‌انداز، جنگ روسیه و اوکراین که ۴ ماه از وقوع آن می‌گذرد هم تا حد زیادی موجب نزدیک‌تر شدن مواضع تهران و مسکو شده است، البته که این جنگ به علت معطوف شدن روس‌ها به اوکراین، عملاً شدت توجه آنها به سوریه به یک منطقه راهبردی برای ایران است کاسته و در عین حال، می‌تواند منافع اقتصادی خوبی را نیز در چارچوب مناسبات دوجانبه تهران و مسکو، نصیب طرف ایرانی کند. در این میان معادله احیای برجام که در قالب مذاکرات اتمی وین نیز دنبال می‌شود، بی‌نصیب از تحولات مهمی نظیر رقابت‌های راهبردی روسیه و غرب یا جنگ اوکراین نبوده است.

پس از آنکه مسکو خواستار ارائه تضمین‌های متکوب از سوی آمریکا مبنی بر این مساله شد که تحریم‌های غرب بر مناسبات نظامی و اقتصادی ایران و روسیه تأثیر گذار نخواهند بود، در اقدامی دیگر راه حل دست‌نیایی به یک توافق در قالب معادله احیای برجام را نشان دادن انعطاف قابل توجه، بویژه از سوی طرف آمریکایی اعلام کرد. در این میان برخی ناظران و تحلیلگران بر این باورند که آزادسازی ایران از سیلی از تحریم‌های غربی، می‌تواند تا حدی به روسیه کمک کند تا از کانال ایران،

«هدف اصلی» «کریدور شمال-جنوب» ایجاد یک مسیر ترابری و حمل‌ونقل تجاری از اقیانوس هند که در برگیرنده خلیج فارس نیز می‌شود و همچنین مسیری که از شهر بندر بمبئی هند آغاز و از طریق دریا به بندرعباس در جنوب ایران و سپس از طریق راه‌آهن از ایران، آذربایجان و روسیه می‌گذرد و شماری از کشورهای آسیای میانه و قفقاز را نیز شامل می‌شود و حتی می‌تواند به اروپا متصل شود، است. این پروژه، نسخه دومی نیز دارد که از ایران آغاز و به روسیه متصل می‌شود (از طریق دریای خزر). در عین حال، نسخه سومی هم از آن وجود دارد که از کشورهای نظیر قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان در آسیای میانه عبور می‌کند.»

در سه گزارش «وطن امروز»، پایگاه خبری «میدل ایست مانیتور» در گزارشی به طور خاص به توسعه همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه در سایه اوج‌گیری جنگ اوکراین و تشدید تقلبات قدرت‌های غرب و شرق جهان پرداخته و در این میان به راه‌آهن جدید تهران و مسکو در عملیاتی کردن کریدور تجاری شمال-جنوب که در نوع خود تا حد زیادی می‌تواند جایگزین کانال سوئز شود و مسیر تجاری قابل ملاحظه‌ای را، بویژه برای قدرت‌های شرقی ایجاد کند، اشاره کرده است. پایگاه خبری میدل ایست مانیتور در این رابطه می‌نویسد: «به نظر طبیعی، یکی از پیامدهای تحریم‌های تحمیلی غرب علیه روسیه، تشدید تلاش‌های روسیه جهت یافتن راه‌هایی با هدف دور زدن محدودیت‌ها و تحریم‌ها علیه این کشور است. از زمان اعمال اقدامات تحریمی و تشدید تلاش‌های روسیه غربی علیه روسیه به دلیل آنچه اقدام روسیه در الحاق شبه جزیره کریمه به خاک این کشور و ایجاد درگیری در شرق اوکراین در سال ۲۰۱۴ عنوان می‌شود، روسیه به نحو گسترده‌ای در تلاش بوده



قرار دارد. از این رو، ۲ غول بزرگ آسیایی یعنی هند و چین عملاً یک مسیر تجاری جایگزین و مهم را در مقایسه با کانال سوئز و مسیرهایی که در جنوب و شرق آسیا وجود دارند، پیدا می‌کنند. سوئز را کاهش دهد و در عین حال میزان زمان تخصیص یافته برای حمل‌ونقل دریایی را نیز به چیزی کمتر از نصف (۲۳ روز به جای ۴۵ تا ۶۰ روز که اکنون زمان می‌برد) کاهش دهد.» مجموع این مسائل همگی حاکی از این است که همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه که در سایه تشدید تحریم‌های غرب علیه هر ۲، تا حد زیادی تشدید و تقویت شده، عملاً می‌تواند بنیانی قابل توجه را جهت ایجاد مسیرهای تجاری جدید و تازه نظیر کریدور شمال-جنوب فراهم کند و جبهه مقابل غرب (قدرت‌های شرقی) را جهت مواجهه با رویه‌های تهاجمی آن علیه شرق، تا حد زیادی تقویت کند.

ترجمه: محمدعلی حسن‌نیا